

کتاب کنکور

# عربی دوازدهم

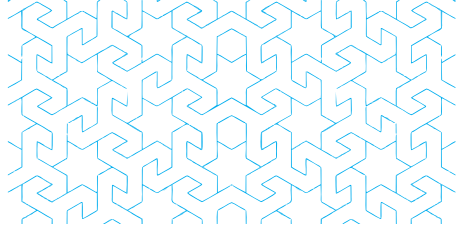
مهدي ترابي

رشته علوم انسانی

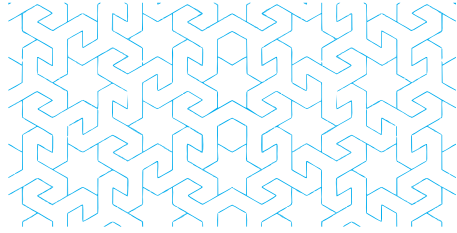
از مجموعه مرشد

به همراه  
پرسش‌ها و پاسخ‌نامه تشریحی  
کنکور ۹۸





UNIVERSITY  
OF  
SOUTH  
ALABAMA



## به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

نوشتن کتاب عربی برای دانش‌آموزان انسانی از دو جهت برایم جذاب بوده و هست. اول اینکه؛ عربی درس اختصاصی و مهم دانش‌آموزان انسانی است و به نوعی سرنوشت دانش‌آموز انسانی را رقم می‌زند. [متأسفانه اکثر دانش‌آموزان انسانی این اهمیت را درک نمی‌کنند که عربی اختصاصی برای دانش‌آموز انسانی به اندازه‌ی درسی مانند «زیست‌شناسی» برای دانش‌آموز تجربی اهمیت دارد و سرنوشت ساز است].

دوم اینکه؛ آن قدری که در بازار کتاب‌های آموزشی، کتاب عربی برای ریاضی و تجربی‌ها وجود دارد، برای انسانی‌ها منبع خوب و به درد بخور تولید نشده است. این دو موضوع باعث شد تا با انرژی و توانی مضاعف شروع به نگارش این کتاب برای دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی بکنم.

دانش‌آموز انسانی در کنکور سراسری دو عنوان عربی دارد؛ «عربی عمومی» و «عربی اختصاصی» که در این کتاب هر دو مورد به‌طور کامل پوشش داده می‌شود، پس آنچه پیش‌روی شماست، کتاب عربی عمومی و اختصاصی انسانی است.

در روند تولید کتاب نیز مانند هر محصولی، فقط یک نفر به چشم می‌آید و آن هم «مؤلف» است درحالی‌که در تألیف کتاب جمعی دست به دست هم، هدف‌هایشان را یکسان می‌کنند تا کتابی مناسب تولید و وارد بازار شود. بر خود لازم می‌دانم که از این جمع و گروه تشکر و قدردانی نموده و شادی خود را با این عزیزانم به اشتراک بگذارم:

### سپاسگزاری:

- ✦ جناب آقای یحیی دهقانی: مدیریت محترم انتشارات مبتکران و یکی از پیشکسوتان آموزش و نشر ایران
- ✦ جناب آقای مهندس هادی عزیززاده: دبیر محترم مجموعه که چهره ایشان در ذهن من لبخند و صبر است.
- ✦ مهندس بابک نهرینی: دوست عزیز و خوش‌قلبی که باعث آشنایی من با مجموعه مبتکران بود.
- ✦ سرکار خانم هدی معرفت‌جو: دانش‌آموز کوشای سابق و دانشجوی حقوق دانشگاه تهران و البته همکاری خوب و توانمند که با دقت و دلسوزی در مراحل تولید کتاب همراه من بودند.
- ✦ آقای حسین کشتی‌کار: که همواره صبور و مهربان و باوقار به خواسته‌های من گوش می‌دادند و به همکاری‌شان در سایت طراحی و حروف‌چینی منتقل می‌کردند.
- ✦ صفحه‌آرا: سرکار خانم سمیرا عاشورلو که هنرمندانه در صفحه‌آرایی این کتاب تلاش کردند.
- ✦ سرکار خانم طوبی عینی‌پور: که زحمت نمونه‌خوانی کتاب را متحمل شدند.
- ✦ گرافیسیت: بهاره خدای
- ✦ طراح جلد: مینا هرمزی

❁ همسر عزیزم و دو پسر دلبندم: که شاید به هیچ کس به اندازه آنها مدیون نباشم، چون تألیف، زمان برترین کار زندگی من بوده و این همان زمانی بود که به آنها تعلق داشت.

❁ دانش آموزان خوبم: که متعهدانه و با معرفت صبر کردند تا این اثر به سرانجام برسد. / با وجود وسواس و دقت فراوانی که در ویرایش این کتاب انجام دادم، حتماً ایرادهایی خواهد بود که از چشمان دقیق و نگاه تیزبین شما دور نمی ماند، پس، از تک تک عزیزان، استادان گرانقدر، مشاوران باسواد و دلسوز و دانش آموزان هدفمند خواستارم که بر این حقیر منت نهاده و نظرات و انتقادات ارزشمند خود را از طریق آیدی تلگرام به نشانی زیر اعلام نمایند، که من سخت معتقدم نظرات شما سازنده و گرانقدر است:

**@Arabi Academy**

مهدی ترابی - پاییز ۹۸





شماره صفحه

نام درس

۷	درس اول
۲۹	درس دوم
۵۱	درس سوم
۷۳	درس چهارم
۹۵	درس پنجم
۱۱۱	پاسخنامه تشریحی



# الدرس الاول

## محتوا دريك نگاه

جمله‌های اسمیه با آمدن برخی از کلمات، تغییراتی در ساختار مبتدا و خبرشان ایجاد می‌شود که این تغییر فقط محدود به ظاهر کلمات نبوده و معنای جمله اسمیه را نیز تغییر می‌دهد.

اولین مورد از این کلمات، «افعال ناقصه» است که در آخرین درس عربی یازدهم با آن آشنا شدید و در ادامه قرار است در این درس با دو مورد دیگر، یعنی حروف مشبیه و لانی جنس آشنا شوید.

مقدمه

در درس ۵ عربی دهم با ساختار جمله اسمیه آشنا شدید و دانستید که جمله اسمیه از ترکیب «مبتدا + خبر» تشکیل می‌شود.

مبتدا + خبر  
نمونه: الكتاب مفید.

مرفوع مرفوع

در زبان عربی، حروفی وجود دارد که اگر به ابتدای جمله اسمیه اضافه شوند، اعراب و عنوان مبتدا و خبر را تغییر می‌دهند، این حروف که معنای متفاوتی دارند، «حروف مشبیهة بالفعل» نامیده می‌شوند.

شناخت حروف مشبیهة بالفعل:

این حروف عبارت‌اند از:

«إِنَّ: همانا، به درستی که» / «أَنَّ: که» / «لَيْتَ: کاش - ای کاش» / «لَعَلَّ: شاید» / «كَأَنَّ: گویی که - گویا» / «لَكِنَّ: ولی»

حروف مشبیهة طرز عمل مشترکی دارند که این طرز عمل به صورت زیر می‌باشد:

مبتدا + خبر ← حروف مشبیهة  
مرفوع مرفوع  
اسم حروف مشبیهة + خبر حروف مشبیهة  
منصوب مرفوع

اللَّهُ عَلِيمٌ ← إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ  
أَنْتَ عَلِيمٌ ← إِنَّ أَنْتَ عَلِيمٌ

یعنی بعد از اضافه شدن حروف مشبیهة به ابتدای جمله اسمیه، کماکان جمله اسمیه دارید ولی نقش‌های آن، «مبتدا - خبر» نبوده و «اسم - خبر» حروف مشبیهة می‌باشد.

بررسی حروف مشبیهة:

۱) «إِنَّ»: برای بیان تأکید در ابتدای جمله می‌آید که معمولاً به صورت «قطعاً، همانا، به درستی که، بی‌گمان» ترجمه می‌شود.

نمونه: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.»

بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

تذکره: ترجمه «إِنَّ» در جمله‌ها ضروری نیست و اگر ترجمه نشود، اشکالی ندارد.

نمونه تست:

فی ایّ جوابِ همزة «إِنَّ» خطأ؟

- ۱) قَدْ يُكْتَبُ عَلَى لَوْحٍ فِي مَتَجَرٍّ: أَنْ الْأَكْلَ غَيْرُ مَسْمُوحٍ هُنَا!
- ۲) مَنْ يُقْرِضُ الْمَسْكِينِ مَالًا فَإِنَّمَا يُقْرِضُ خَالِقَهُ!
- ۳) لَمْ أَشَاهِدْ أَنَّ الْكَذَّابَ يَنَالُ مَكَانَةً خَاصَّةً بِاحْتِيَالِهِ!
- ۴) إِنَّ الَّذِينَ جَاؤُوا هُنَا بَدَّوْا يَتَّهَمُونَ فِي إِحْدَى الصُّفُوفِ!

پاسخ تست: گزینه ۱

نکته: موارد کاربرد «إِنَّ»:

- ۱- در ابتدای جمله از «إِنَّ» استفاده می‌شود.
  - ۲- بعد از نقل قول‌ها (: ) از «إِنَّ» استفاده می‌شود.
  - ۳- بعد از اسم‌های موصول از «إِنَّ» استفاده می‌شود.
  - ۴- بعد از «ثُمَّ - حَيْثُ - اِذْ» از «إِنَّ» استفاده می‌شود.
- بنابراین در گزینه ۱ «بعد از (: )» باید از «إِنَّ» استفاده شود.

۲) «أَنَّ»: به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می‌دهد. (یربطُ الجملتين)  
**نمونه:** قالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللهَ على كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: گفت می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.  
**تذکره:** در عبارت‌هایی که دارای «أَنَّ» باشد، حداقل ۲ جمله وجود دارد. (برای شمارش تعداد جملات)

**نمونه تست:**

أكمل الفراغين:

«لَقَدْ فَشَلْتُ فِي مَبَارَاةٍ عَدَّةٍ مَرَاتٍ وَ عَلِمْتُ ..... النَّجَاحَ فِي الْجِدِّ وَ قُلْتُ فِي نَفْسِي: يَا ..... الزَّمانَ يَعودُ إلى الوراء.»  
 ۱) أَنْ - لَيْت      ۲) لَعَلَّ - لَيْت      ۳) إِنَّ - لَعَلَّ      ۴) أَنْ - لَعَلَّ

پاسخ تست: **گزینه ۱**

در وسط جمله و برای ارتباط دو قسمت از جمله باید از «أَنَّ» استفاده کنید.  
 ترجمه جمله: «در مسابقه‌ای بارها شکست خوردم و دانستم که پیروزی در تلاش است و با خودم گفتم: ای کاش زمان به عقب بازگردد.»

۳) «كَأَنَّ»: به معنای «گوی» و «مانند» است و در جمله نشانه «تشبیه» می‌باشد.  
**نمونه:** «كَانَ هُنَّ الْيَاقوتُ وَ الْمَرجانُ»: آنان همچون یاقوت و مرجان هستند.

**نمونه تست:**

عَيِّنِ «التشبيه» في العبارات التالية:

۱) كَأَنَّ الحُسَيْنَ مِصباحٌ يُنيرُ الطَّرِيقَ لِلجَميعِ!      ۲) «و يَقُولُ الكَافِرُ يالَيْتَنِي كُنْتُ تَراِباً»  
 ۳) لَعَلَّ صَدِيقِي في هَذا الأَسبوعِ يُسافِرُ إلى العِراقِ!      ۴) إِنَّ رَبِّي ذو فَضْلٍ وَ لَكِنَّ أَكثَرَ النَّاسِ لا يَفهَمونَ!

پاسخ تست: **گزینه ۱**

با توجه به اینکه «كَأَنَّ» در این گزینه به کار رفته، می‌توانیم بگوییم که در این گزینه تشبیه وجود دارد.

۴) لَكِنَّ: به معنای «ولی» و برای تکمیل پیام جمله و برطرف کردن ابهام از جمله قبلی و رساندن منظور دقیق و کامل استفاده می‌شود.  
**مثال:** من درس‌هایم را خوانده‌ام ولی دو درس هنوز باقی مانده است.  
**نمونه:** «إِنَّ اللهَ لذو فَضْلٍ على النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكثَرَ النَّاسِ لا يَشكرونَ»  
 بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.

۵) لَيْت: به معنی «کاش - ای کاش» و بیانگر آرزوست و گاهی به صورت «یا لیت» به کار می‌رود که در ترجمه تفاوتی با «لیت» ندارد.  
**نمونه:** «و يَقولُ الكَافِرُ يا لَيْتَنِي كُنْتُ تَراِباً»: و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم!

**نمونه تست:**

عَيِّنِ ما يَدُلُّ على التَّمَنِّي لأمرٍ غير مُمكن:

۱) في يومِ صَيفِي حارًّا كَأَنَّ الشَّمسَ كُرَّةً ملتهبةً في قلبِ السَّماءِ!

۲) إِنَّ الإنسانَ يَرجو الحِياةَ في الدُّنيا وَ يَكرهُ السَّيبَ مع أَنَّهُ يَزيدُهُ وقاراً!

۳) لَعَلَّ زَملائِي يَحْتَفِلونَ بِرِنامِجِهِم وَ تَفوِّقَهُم في جَوِّ بَهِيجِ!

۴) مَرَّ بِذهنِي: لَيْتَ الإنسانَ مِثْلَ الرِياضياتِ تُفسِّرُهُ بعضُ النُّظَرياتِ!

پاسخ تست: **گزینه ۳**

واژه «تَمَنِّي» به معنی «آرزو کردن» است و با توجه به معنا و کاربرد «لیت»، گزینه «۳» پاسخ صحیح است.



۶) **لعلّ:** به معنی «شاید» و «امید است» می‌باشد.

**نمونه:** «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قِرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»: بی‌گمان، قرآن را به زبان عربی قرار دادیم، امید است شما بیندیشید.

### لای نفی جنس

یکی دیگر از حروفی که می‌تواند به ابتدای جمله اسمیه اضافه شده و آن را تحت تأثیر قرار دهد، «لا نفی جنس» است. طرز عمل «لا نفی جنس» نیز مانند طرز عمل «حروف مشابه» به صورت زیر است:

مبتدا + خبر ← لا نفی جنس  
 مرفوع مرفوع  
 اسم لا نفی جنس + خبر لا نفی جنس  
 منصوب مرفوع

**نمونه:** التلميذ حاضرٌ ← لا تلميذاً حاضرٌ.

### نحوه ترجمه جملات دارای لا نفی جنس:

جمله‌ای که با لا نفی جنس شروع می‌شود یک جمله اسمیه به حساب می‌آید که معنای «منفی» دارد. این جمله اسمیه به صورت «هیچ ..... نیست» ترجمه می‌شود و اسمی که بعد از لا نفی جنس می‌آید به صورت نکره ترجمه می‌شود.

**نمونه:** لا جهاد كجهاد النفس: هیچ مبارزه‌ای همچون مبارزه با نفس نیست.

نکره

«لا علم لنا إلا ما عَلَّمْتَنَا»: جز آنچه به ما آموختی، هیچ دانشی نداریم.

نکره

### مقایسه لا نفی جنس با انواع لا:

۱) **لا نافية:** برای منفی کردن فعل مضارع، به ابتدای آن اضافه می‌شود ولی هیچ تغییری در آخر فعل مضارع ایجاد نمی‌کند.

**نمونه:** لا يذهبُ: نمی‌رود

۲) **لا ناهیه:** به ابتدای فعل مضارع اضافه می‌شود و آخر آن را مجزوم می‌کند (لَمْ يَذْهَبْ / نَذْهَبْ) به جز دو صیغه‌ی جمع مؤنث) و به صورت دستور منفی ترجمه می‌شود.

**نمونه:** لا يذهبُ: نباید برود      لا تذهبُ: نرو      لا اذهبُ: نباید بروم

۳) **لا جواب:** در پاسخ به عبارتهای پرسشی که با «هل - أ» شروع شده باشند، می‌آید.

**نمونه:** هل أنت متكاسلٌ؟ لا، أنا نشيطٌ و مجتهدٌ.

۴) **لا عطف:** بین دو اسم می‌آید و از نظر معنایی آنها را از هم جدا می‌کند.

**نمونه:** جالس العلماء لا الجُهال: با دانشمندان همنشینی کن نه با نادانان.

۵) **لا نفی جنس:** در ابتدای جمله می‌آید و بعد از آن بلافاصله اسمی داریم که بدون أل و تنوین آمده است و فقط «فتحه َ» دارد و به صورت «هیچ ..... نیست» ترجمه می‌شود.

**نمونه:** لا خیر فی قولِ الأَمعِ الفعلِ.

### نمونه تست:

عین «لا» یختلف نوعها عن الباقي:

- ۱) «لا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ»
- ۲) لا لِبَاسٍ أَجْمَلٍ مِنَ الْعَافِيَةِ وَالْعَقْلِ السَّلِيمِ فِي الْجِسْمِ السَّلِيمِ!
- ۳) «لا إكراه في الدينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»
- ۴) لا بَلِيَّةَ أَعْظَمُ مِنَ الْجَهْلِ فِي حَيَاةِ الْإِنْسَانِ!

پاسخ تست: **گزینه‌ها**

در گزینه «۱»: لا باعث مجزوم شدن فعل مضارع شده و لا ناهیه است.

در گزینه «۲»: لا در کنار اسم آمده و لا نفی جنس است.

در گزینه «۳»: لا در کنار اسم آمده و «لا» نفی جنس است.

در گزینه «۴»: «لا» در کنار اسم آمده و لا نفی جنس است.

عین نوع «لا» فی عبارة «لا تَسْبُوا النَّاسَ حَتَّى لَا يَسْبُواكُمْ».

۴ نافیہ - ناهیہ

۳ ناهیہ - نافیہ

۲ نافیہ - نافیہ

۱ نافیہ - نافیہ

پاسخ تست: **گزینه ۱**

در لا تَسْبُوا، حرف لا باعث مجزوم شدن فعل مضارع شده است ← لا ناهیہ  
در «حَتَّى لَا يَسْبُواكُمْ»، «حَتَّى» حرف ناصبه است و باعث منصوب شدن فعل مضارع می شود و در نتیجه، «لا» نمی تواند تغییری در فعل ایجاد کند و مجبور است لا نافیہ باشد.

**نکته:** اگر قبل از «لا» یکی از حروف عامل (عمل کننده) بیاید، لا حتماً نافیہ است.

ترجمه این عبارت: «به مردم دشنام ندهید تا به شما دشنام ندهند.»

### نکته نامه

۱) اِنَّ و اَنْ هیچ گاه بلافاصله در کنار فعل نمی آیند، در حالی که «اِنَّ» و «اَنْ» حتماً در کنار فعل می آیند.

۲) اسمی که بعد از لا نفی جنس می آید، باید نکره باشد و نباید ال یا تنوین داشته باشد.

۳) اگر بعد از «لا»، فعل یا جارومجزور آمده باشد قطعاً، «لا» نفی جنس نیست.

۴) اسم حروف مشبیه فقط می تواند ضمیری متصل به حروف مشبیه و یا اسم ظاهر باشد.

**نمونه:** اِنَّهْ عَالَمٌ اِنَّ الطَّالِبَ نَاجِحٌ

۵) خبر حروف مشبیه مانند خبر مبتدا به یکی از سه صورت، مفرد - جمله - شبه جمله می آید. (در درس ۵ انواع خبر توضیح داده شد).

۶) اگر بلافاصله بعد از حروف مشبیه، جارومجزور یا ظرف (عند - تحت - امام - خلف ...) مشاهده کردید، به این معنی است که خبر

حروف مشبیه به صورت «خبر مقدم» می باشد.

**نمونه:** اِنَّ فِی الصَّفِّ تَلْمِیْذًا.

خبر مقدم اسم مؤخر حروف مشبیه  
حروف مشبیه

### اشتباه شونده ها

۱) مراقب باشید «اِنَّ - اَنْ» را با «اِنَّ: حرف شرط» و «اَنْ: حرف ناصبه» اشتباه نگیرید.

۲) «کان: بود» جزء افعال ناقصه است و نباید آن را با «کَانَ» اشتباه بگیرید.

۳) «لیس» جزء افعال ناقصه است و معنی «نیست» می دهد و نباید آن را با «لیت» که جزء حروف مشبیه است اشتباه بگیرید.

۴) اگر حرف جر «ل» به ضمیر «کَنْ» بچسبد، شبیه حرف «لکن» می شود که باید حتماً به ترجمه توجه کنید:

أَنَا سَاجِدٌ لَكِنْ كِتَابٌ مُفِيدٌ: من کتاب های مفیدی برای شما آماده خواهم کرد.

### کارگاه ترجمه

۱) فعل مضارع در جملات دارای «لیت» و «لعل» به صورت «مضارع التزامی فارسی» ترجمه می شود:

**نمونه:** لیت معلمی یشاهد اجتهادی: ای کاش معلم تلاش کردن مرا ببیند.

۲) فعل ماضی در جملات دارای «لیت» به صورت «ماضی استمراری» یا «ماضی بعید» ترجمه می شود.

**نمونه:** لیت التلمیذ اِتَّعَدَ عَنِ الْكَسْلِ | ای کاش دانش آموز از تنبلی دوری می کرد.

| ای کاش دانش آموز از تنبلی دوری کرده بود.

۳) لا نهی در صیغه های غایب و متکلم به همراه «نباید» ترجمه می شود:

**نمونه:** لا تَذْهَبْ: نباید برویم لا یَذْهَبْ: نباید برود.

۴ جملات دارای «لا نفی جنس» که به صورت «هیچ ..... نیست» ترجمه می‌شود را با جملات دارای «لیس: نیست» اشتباه نگیرید؛ زیرا جملات دارای «لا نفی جنس» را در زبان عربی، «نفی مطلق» می‌گویند که باید حتماً با «هیچ» ترجمه شوند.  
**نمونه:** لیس فی المدرسة تلميذ: دانش‌آموزی در مدرسه نیست.

لا تلميذ في المدرسة: هیچ دانش‌آموزی در مدرسه نیست.

۵ ترجمه «إِنَّ» ضروری نیست، بنابراین براساس ترجمه نشدن آن نمی‌توانید گزینه‌ای را حذف کنید.

۶ «إِنَّ» و «أَنَّ» جزء حروف مشبیه هستند و با نحوه ترجمه آنها آشنا شدید، این دو حرف اگر به صورت «إنما» یا «أَنما» باشند، معنی «فقط» می‌دهند.

**نمونه:** إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ: فقط مؤمنان (با یکدیگر) برادر هستند.

۷ ترکیب «لِأَنَّ» به معنی «زیرا - برای اینکه» در پاسخ به عبارت‌های پرسشی که با «لِما» یا «لماذا» شروع شده باشد، می‌آید.

**نمونه:** لماذا لا تذهب إلى المدرسة اليوم؟ لِأَنَّ أَحْسَبُ بِالْمِ شَدِيدٍ فِي رَجُلِي.

چرا امروز به مدرسه نمی‌روی؟ زیرا درد شدیدی در پایم حس می‌کنم.



۱- عَيْنٌ غَيْرُ الْمُنَاسِبِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ:

- ۱) النَّاسُ مَوْتِي وَ أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ!  
 ۲) النَّاسُ كُلُّهُمْ بَنُو آدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ!  
 ۳) لَا يَجُوزُ التَّفَاخُرُ بِالْأَنْسَابِ!  
 ۴) قَدَرَ كُلُّ أَمْرٍ مَا يَمْلِكُهُ!

۲- عَيْنٌ مَا فِيهِ كَلِمَتَانِ مُتَضَادَّتَانِ:

- ۱) إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ / وَ حَيَاءٌ وَ عَفَافٌ وَ أَدَبٌ  
 ۲) أَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ / إِنَّمَا النَّاسُ لَأَمٌّ وَ لِأَبٍ  
 ۳) النَّاسُ مِنْ جِهَةِ الْآبَاءِ أَكْفَاءٌ / أَبُوهُمْ آدَمُ وَ الْأُمُّ حَوَاءٌ  
 ۴) فَفُزْ بِعِلْمٍ وَ لَا تَطْلُبْ بِهِ بَدَلًا / فَالنَّاسُ مَوْتِي وَ أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ

۳- عَيْنٌ الصَّحِيحِ فِي الْمُرَادِفِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

- ۱) كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ إِسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَإِنَّمَا هُوَ دَاءٌ: مَرَضٌ  
 ۲) لَا تَغْضَبْ، فَإِنَّ الْعَضْبَ مَفْسَدَةٌ: مَظْلَمَةٌ  
 ۳) ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ: الْكِرَامَةُ  
 ۴) لَا كَنْزَ أَغْنَى مِنَ الْقِنَاعَةِ: مِيرَاثٌ

۴- اِمْلَأِ الْفَرَاغَ حَسَبَ الْمَعْنَى: الْعَصَاةُ ...

- ۱) كُلُّ فَاكِهَةٍ كَثِيرِ الْعَصِيرِ!  
 ۲) آلَةٌ تَزِيدُ عَصِيرَ الْفَاكِهَةِ حَلَاوَةً أَوْ طَرَاوَةً!  
 ۳) كُلُّ مَنْ يَأْكُلُ عَصِيرَ الْفَاكِهَةِ كَثِيرًا!  
 ۴) آلَةٌ لِإِسْتِخْرَاجِ عَصِيرِ الْفَاكِهَةِ أَوْ عُصَارَتِهَا!

۵- عَيْنٌ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاقَاتِ:

«قَالَ الذِّينَ ..... الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ..... لَنَا مِثْلَ مَا ..... قَارُونَ»

«كسانی که زندگی دنیا را می‌خواهند گفتند ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده برای ما بود.»

- ۱) يُرِيدُونَ - يَا لَيْتَ - أُوتِيَ  
 ۲) يَطْلُبُونَ - لَعَلَّ - أُوتِيَ  
 ۳) أَرَادُوا - يَا لَيْتَ - أُعْطِيَ  
 ۴) يُرِيدُونَ - لَعَلَّ - أُعْطِيَ

۶- عَيْنٌ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاقَاتِ:

«قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»

«گفتند منزهی تو، ما ..... جز آنچه ..... همانا تو دانای حکیم هستی»

- ۱) نادانیم - فراگرفتیم  
 ۲) دانشی نداریم - تو به ما آموختی  
 ۳) دانشی نداریم - یاد گرفتیم  
 ۴) نادانیم - تو به ما آموختی

۷- عَيْنٌ الصَّحِيحِ فِي تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

- ۱) كَأَنَّهَا رَائِحَةٌ جَدَى رَسُولُ اللَّهِ: هَمَانَا  
 ۲) وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا: شَائِد  
 ۳) أَوْلَمَ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ: زَيْرَا  
 ۴) وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى: هَمَانَا

۸- عَيْنٌ الصَّحِيحِ فِي تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ:

(الف) أَوْلَمَ يَكْفِيهِمْ إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَى لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ.

(ب) لَيْتَنِي عَلِمْتُ أَمِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِي.

(ج) وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ.

(د) وَمِنَ الْفُسَادِ إِضَاعَةُ الزَّادِ وَ مَفْسَدَةُ الْمَعَادِ. وَ لِكُلِّ أَمْرٍ عَاقِبَةٌ.

- ۱) که نازل کردیم، ای کاش می‌دانستم، گل، تباهی  
 ۲) نازل کردیم، شاید می‌دانستم، گل، تباهی  
 ۳) که نازل کردیم، می‌دانستم، خاک، فساد  
 ۴) نازل کردیم، ای کاش می‌دانستم، خاک، فساد



۹- عَيْنِ غَيْرِ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْرَدِ لِلْجُمُوعِ التَّالِيَةِ:

- ۱ الأبدال: البَدَل
- ۲ اللّحوم: اللّحم
- ۳ الأطيان: الطّين
- ۴ العظام: الأعظم

۱۰- عَيْنٌ مُتَضَادَّةٌ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ فِي عِبَارَاتٍ (الف إلى ج) عَلَى التَّرْتِيبِ:

- السَّلْم، حَنِيفٌ، الصَّحَّة
- (الف) فَإِنَّ فِيهِ (القرآن) شَفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ النَّفَاقُ وَ الْعَيُّ وَ الضَّلَالُ.
- (ب) وَ مَنْ كَثُرَ نِزَاعُهُ بِالْجَهْلِ دَامَ عَمَاهُ عَنِ الْحَقِّ.
- (ج) قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ.
- ۱ الف، ب، ج
  - ۲ ج، الف، ب
  - ۳ ب، ج، الف
  - ۴ ب، الف، ج

۱۱- عَيْنٌ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي لَيْسَتْ فِيهَا كَلِمَةٌ غَرِيبَةٌ مِنْ حَيْثُ الْمَعْنَى.

- ۱ الياقوت، المَرْجان، الذهب، الفضة
- ۲ ثراب، طين، ورد، عظم
- ۳ أَمِيَّت، الجُهَال، العَاقِل، الفُخْر
- ۴ حياء، حواء، عفاف، أدب

۱۲- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ لَا يُوْجَدُ مُتَضَادٌّ أَوْ مُتْرَادِفٌ؟

- ۱ الْفَقْرُ وَ الْعِنَى لَا يَجْتَمِعَانِ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ.
- ۲ دَوَاوِكَ فَيْكَ وَ مَا تُبْصِرُ وَ دَاوُوكَ مِنْكَ وَ لَا تُشْعِرُ.
- ۳ مَنْ يَخْشَعُ لِلَّهِ مِنْ الْمُسْتَحِيلِ أَنْ يَتَكَبَّرَ أَمَامَ النَّاسِ.
- ۴ أَتَشْعُرِينَ بِالْمِمْ فِي رِجْلِكَ أَمْ تُحَسِّنِينَ بِالْصُّدَاعِ؟

ترجمه و تعريب

۱۳- عَيْنِ الْخَطَا:

- ۱ «فهذا يوم البعث و لكنكم كنتم لا تعلمون»: اين، روز رستاخيز است ولي شما نمی دانستيد!
- ۲ لعلَّ الإنسانَ يستطيع أن يصلَ إلى فهم كنه بعض الظواهر!؛ شايد انسان بتواند به فهم ذات برخی پديده‌ها برسد!
- ۳ لا إنسانَ يشعُرُ بالحُزنِ في بدايةِ فصلِ الربيع!؛ انسان در ابتدای فصل بهار، احساس غم نمی کند!
- ۴ كأنَّ أخی مُتردِّدٌ في اختيارِ هديَّةٍ لِمَنْ يُحِبُّه!؛ گویی برادرم در انتخاب هديه‌ای برای کسی که دوستش دارد، دو دل است!

۱۴- «لَيْتَ طَالِبَاتِنَا الْمُجِدَّاتِ يُبَصِّرْنَ مَظَاهِرَ قُدْرَةِ رَبِّهِنَّ فِي الْعَالَمِ وَ يُدْرِكْنَ أَسْرَارَ كُلِّ مَا فِيهِ!»:

- ۱ ای کاش دانش‌آموزان تلاشگرمان توانایی دیدن نشانه‌های توانمندی پروردگارشان را در جهان داشته باشند و راز تمام آنها را درک کنند!
- ۲ امید است که دانش‌آموزان کوشا مظاهر قدرت پروردگار جهان را دریابند و رازهای تمام آنچه را که در آن بوده است، درک نمایند!
- ۳ شايد دانش‌آموزان کوشای ما جلوه قدرت پروردگار در جهان را مشاهده کنند و رازهای تمام آنچه را که در آن است، متوجه شوند!
- ۴ کاش دانش‌آموزان تلاشگر ما، مظاهر توانایی پروردگارشان را در جهان ببینند و رازهای تمامی آنچه را که در آن است، بفهمند!

۱۵- «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ (ع): قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ!»: امير مؤمنان، علی (ع) فرمود: .....

- ۱ ارزش کسی که نیکوکاری انجام می‌دهد، بالاتر است!
- ۲ ارزش هر انسانی به آن است که آن را به خوبی انجام داده است!
- ۳ ارزش هر فردی به آن چیزی است که آن را خوب انجام می‌دهد!
- ۴ ارزش هر انسانی به چیزی است که آن را بهتر انجام می‌دهد!

۱۶- «يَزَعُمُ بَعْضُ النَّاسِ أَنَّهُمْ قَامُوا بِوَأْجَابَتِهِمْ أُمَامَ أَوْلَادِهِمْ، وَ لَمْ تَتَحَقَّقْ غَايَتُهُمْ فِي التَّرْبِيَةِ!»

- ۱ بعضی مردم می‌پندارند که به واجباتشان در مقابل فرزندانشان اقدام نموده‌اند ولی هدفشان را در تربیت محقق نکرده‌اند!
- ۲ برخی از مردم گمان می‌کنند که به تکالیف خویش در برابر فرزندانشان عمل کرده‌اند و هدفشان در تربیت محقق نشده است!
- ۳ برخی از مردم می‌پندارند که تکالیف خود را در برابر پسرانشان انجام نداده‌اند و هدفشان در امر تربیت به وقوع نپیوسته است!
- ۴ از میان مردم، بعضی گمان می‌کنند که به تکالیف خویش در برابر اولادشان عمل کرده‌اند و اهدافشان در تربیت انجام نشده است!

۱۷- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلتَّعْرِيْبِ:

«ابراهیم در آتش افکنده شد اما خداوند او را از آن نجات خواهد داد.»

- ۱ قُدِّفَ إِبْرَاهِيمُ فِي النَّارِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَيِّدَهُ مِنْهَا
- ۲ يُقَدِّفُ إِبْرَاهِيمَ فِي النَّارِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَتَجَبَّبُهُ مِنْهَا
- ۳ قُدِّفَ إِبْرَاهِيمَ فِي النَّارِ إِنَّ اللَّهَ سَيِّدَهُ مِنْهُ
- ۴ قُدِّفَ إِبْرَاهِيمَ فِي النَّارِ إِنَّ اللَّهَ سَيِّدَهُ مِنْهَا

۱۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلتَّعْرِيْبِ:

«گویی کسانی که در راه خداوند، جهاد می‌کنند چون ساختمانی استوار هستند.»

- ۱ كَأَنَّ الَّذِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بُنْيَانٌ مَرصُوصٌ
- ۲ إِنَّ اللَّاتِي يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَبْنِيَانٌ مَرصُوصٌ
- ۳ كَأَنَّ اللَّاتِي يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَبْنِيَانٌ مَرصُوصٌ
- ۴ كَأَنَّ الَّذِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَبْنِيَانٌ مَرصُوصٌ

۱۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱ «قَالَ أُخِي: كُلَّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ يَوْمَ عَيْدٍ!»: برادرم گفت: هر روزی که در آن نافرمانی خدا را نکند، همان روز، عید است!
- ۲ «بَعْدَ اخْتِرَاعِ الدِّيْنَامِيْتِ كَثُرَتْ أَدْوَاتُ الْقَتْلِ وَازْدَادَتِ الْحُرُوبُ!»: پس از اختراع دینامیت، ابزارهای کشتار بسیار شدند و جنگ‌ها را افزایش دادند!
- ۳ «تَأَلَّمَ أَحَدُ أَوْلَادِي كَثِيرًا عِنْدَمَا سَمِعَ خَبَرَ مَوْتِ أُخِيهِ الْآخِر!»: یکی از دوستان من بسیار متأثر شد هنگامی که خبر مرگ آخرین برادر خود را شنید!
- ۴ «إِنَّ اللَّهَ يُعَلِّمُنَا كَيْفَ نُصَحِّحُ أخطاءَنَا وَنُخْرِجُ مِنَ الظُّلْمَاتِ!»: قطعاً خدا به ما می‌آموزد که چگونه اشتباهاتمان را تصحیح کرده و از تاریکی‌ها خارج شویم!

۲۰- عَيْنِ التَّعْرِيْبِ الْمُنَاسِبِ لِلْعِبَارَةِ:

«مردم از نظر پدر و مادرشان یکسان هستند با اینکه در رفتارشان کاملاً متفاوتند.»

- ۱ النَّاسُ يَخْتَلِفُونَ فِي تَصَرُّفَاتِهِمْ مَعَ أَنَّهُمْ مُتَسَاوُونَ فِي نَسَبِهِمْ.
- ۲ النَّاسُ مِنْ جِهَةِ الْآبَاءِ أَكْفَاءٌ مَعَ أَنَّهُمْ مُخْتَلِفُونَ فِي تَصَرُّفَاتِهِمْ.
- ۳ النَّاسُ أَكْفَاءٌ مِنْ جِهَةِ الْآبَاءِ وَ لَكِنَّهُمْ مُخْتَلِفُونَ فِي أَعْمَالِهِمْ.
- ۴ النَّاسُ الَّذِينَ أَكْفَاءٌ مِنْ جِهَةِ الْآبَاءِ يَخْتَلِفُونَ مِنْ حَيْثُ تَصَرُّفَاتِهِمْ.

۲۱- «وَ قَدَرُ كُلِّ إِمْرِيٍّ مَا كَانَ يُحْسِنُهُ / وَ لِلرِّجَالِ عَلَى الْأَفْعَالِ أَسْمَاءٌ» مَا هِيَ التَّرْجِمَةُ الصَّحِيحَةُ؟

- ۱ و هر انسانی ارزشش به کارهای خوبش است و مردان برای کارهایشان اسم‌هایی دارند.
- ۲ انسانی که کارها را درست انجام نمی‌دهد قدر و منزلتی ندارد.
- ۳ و ارزش هر آدمی به کاری است که آن را به خوبی انجام می‌دهد است و هر انسانی با کارش شناخته و نامیده می‌شود.
- ۴ و قدر و ارزش هر زنی به کاری است که آن را به خوبی انجام می‌دهد است و انسان‌ها با کارهایشان نام‌هایی دارند.

## ۲۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

«كَانَ إِبْرَاهِيمَ الرُّسُولَ يَدْعُو النَّاسَ بِاتِّبَاعِ الدِّينِ الْحَنِيفِ وَ تَجَنُّبِ عِبَادَةِ الْأَلِهَةِ الْمُتَعَدِّدَةِ».

- ۱ حضرت ابراهیم پیامبری بود که مردم را به پرستش دین خداوند و دوری کردن از پرستش خدایان متعدد دعوت کرد.
- ۲ حضرت ابراهیم مردم را به پیروی از دین راستین و دوری از عبادت خدایان متعدد دعوت کرد.
- ۳ ابراهیم پیامبر مردم را به پیروی دین راستین و دوری کردن از پرستش خدایان متعدد دعوت می‌کرد.
- ۴ ابراهیم پیامبر مردم را به پیروی از دین خداوند و دوری کردن از پرستش خدایان متعدد دعوت می‌کرد.

## ۲۳- «يا أَيُّهَا الرُّسُولُ لَا يَحْزُنُكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ»: ای پیامبر! ...

- ۱ از کسانی که در کفر از هم پیشی می‌گیرند، اندوهگین نشو!
- ۲ آنان که در کفر سبقت می‌گیرند، تو را اندوهگین نمی‌کنند!
- ۳ کسانی که در کفر شتاب می‌ورزند، تو را غمگین نکنند!
- ۴ کسانی که در مسیر کفر شتاب می‌کنند، تو را هیچ غمی از آنان نیست!

## ۲۴- «اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ الْخُطُوطَ وَ اللُّغَاتِ الْكَثِيرَةَ مِنْ نُقُوشِ بَعْضِ مَدَائِنِ إِيرَانَ».

- ۱ دانشمندان بسیاری از خط‌ها و زبان‌ها را از بعضی از نگاره‌های شهرهای ایران کشف کردند.
- ۲ از نگاره برخی شهرهای ایران بسیاری از خط‌ها و زبان‌ها را دانشمندان کشف کردند.
- ۳ دانشمندان از بعضی کنده‌کاری شهرهای ایران خط‌ها و زبان‌های بسیاری را کشف کردند.
- ۴ دانشمندان خط‌ها و زبان‌های بسیاری را از کنده‌کاری‌های بعضی شهرهای ایران کشف کردند.

## ۲۵- عَيْنِ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ: پروردگارا آنچه را که طاقت تحمل آن را نداریم بر ما تحمیل مکن.
- ۲ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى: و با او سخنی نرم گوید کاش پند پذیرد یا بترسد.
- ۳ وَإِنَّهُ لَدُوٌّ عَلِيمٌ لِمَا عَلَّمْنَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ: و همانا او از آنچه به او آموختیم دارای دانشی بود ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.
- ۴ وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فُضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولُنَّ كَأَنْ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ: و اگر از جانب خدا بزرگی‌ای به شما برسد، چنانکه گویی میان شما و میان او دوستی‌ای نبوده است می‌گوید کاش من با آنان بودم.

## ۲۶- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱ «هل هؤلاء الرجال يرون بعض الناس خلقوا من فضة؟!»: آیا این مردان، برخی از مردم را می‌بینند که از طلا آفریده شده‌اند؟!
- ۲ «قال قائدنا: كأن إرضاء المتكبرين هدف لا تصل إليه!»: رهبرمان گفت: راضی کردن خودخواهان هدفی بود که به آن نمی‌رسیم!
- ۳ «لكن هؤلاء الأمهات مديرات في أمورهن الكثيرة!»: اما این مادران در کارهای فراوانشان دارای تفکر و تدبیر هستند!
- ۴ «ليت تلاميذنا يدرسون طول السنة بدقة!»: ای کاش دانش‌آموزان در طول سال با دقت درس بخوانند!

## ۲۷- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيبِ:

«يكي از آموزه‌های قرآن این است که به مردم یادآوری کند خداوند دنیا را بیهوده و پوچ نیافریده است.»

- ۱ واحِدٌ مِنْ تَعْلِيمِ الْقُرْآنِ هَذَا أَنْ يَتَذَكَّرَ النَّاسَ مَا خَلَقَ اللَّهُ هَذِهِ الدُّنْيَا سُدًى.
- ۲ أَحَدٌ مِنْ تَعْلِيمِ الْقُرْآنِ هَذَا يَتَذَكَّرُ النَّاسَ لَا خَلَقَ اللَّهُ هَذِهِ الدُّنْيَا سُدًى.
- ۳ واحِدٌ مِنْ تَعْلِيمِ الْقُرْآنِ هَذَا أَنْ يَتَذَكَّرَ النَّاسَ مَا خَلَقَ اللَّهُ هَذِهِ الدُّنْيَا سُدًى.
- ۴ أَحَدٌ مِنْ تَعْلِيمِ الْقُرْآنِ هَذَا أَنْ يَتَذَكَّرَ النَّاسَ لَا خَلَقَ اللَّهُ هَذِهِ الدُّنْيَا سُدًى.

## ۲۸- «كَلَّمْنَا فَمَهْمَا أَنْ الْفَخْرَ لِعَقُولٍ ثَابِتَةٍ لَا لِلْجَهْلَاءِ وَ الْغَافِلِينَ!»:

- ۱ همه فهمیدیم که افتخار به عقل‌ها، محکم است نه به نادانان و غافلان!
- ۲ همه ما فهمیده‌ایم که فخر برای عقل‌های استوار است نه برای نادانان و غافلان!
- ۳ همه دانستیم که فخر فروشی برای عقل ثابت و نه برای نادانان و غافلان است!
- ۴ همه ما می‌فهمیم که افتخار کردن برای عقل‌های سالم و نه برای نادان و غافل است!

### ۲۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيْبِ:

- ۱ هیچ قومی از اقوام زمین نبوده است مگر اینکه دینی و راهی برای عبادت داشته است: لا قَوْمَ مِنْ اَقْوَامِ الْاَرْضِ اِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِيْنٌ وَ طَرِيْقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.
- ۲ هر غذایی که بر آن نام خداوند یاد نشود پس همانا آن بیماری است و برکتی در آن نیست: كُلُّ طَعَامٍ لَا يَذْكُرُ اِسْمَ اللّٰهِ عَلَيْهِ، فَانَّمَا هُوَ دَاءٌ وَ لَا بَرَكَةٌ فِيْهِ.
- ۳ بنده به حقیقت ایمان نمی‌رسد تا زبان خویش نگاه دارد: لَنْ يَبْلُغَ الْعَبْدُ الْحَقِيْقَةَ الْاِيْمَانِ حَتَّى يَحْزَنَ مِنْ لِسَانِهِ.
- ۴ هیچ چیزی سزاوارتر از زبان به زندان شدن نیست: لَا شَيْءٌ اَحَقُّ بِالسَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ.

### ۳۰- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيْبِ:

«ستاره‌شناس و وسایل خود را حاضر و شروع به دیدن ستارگان در شب کرد».

- ۱ حَضَرَ الْمُنْجَمَ وَسَائِلَهُ وَ رَأَى النُّجُومَ فِي اللَّيْلِ.
- ۲ أَحْضَرَ الْمُنْجَمَ وَسَائِلَهُ وَ يَبْدَأُ بِرُؤْيِيَةِ النُّجُومِ فِي اللَّيْلِ.
- ۳ حَضَرَ الْمُنْجَمَ وَسَائِلَهُ وَ بَدَأَ يَبْرَى النُّجُومَ فِي اللَّيْلِ.
- ۴ أَحْضَرَ الْمُنْجَمَ وَسَائِلَهُ وَ بَدَأَ بِرُؤْيِيَةِ النُّجُومِ فِي اللَّيْلِ.

### ۳۱- عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيْهِ خَطَاءٌ فِي تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ:

- ۱ قُلْ اِنِّيْ اَمَرْتُ اَنْ اَكُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَسْلَمَ وَلَا تَكُوْنُوْنَ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ: مأمور کردم، قطعاً باشد، هرگز نباش
- ۲ فَلَمَّا اَتَاهَا نُودِيْ مِنْ شَطِيْئِ الْوَادِ الْاَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ اَنْ يَا مُوسَى اِنِّيْ اَنَا اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِيْنَ: به آن رسید، ندا دادیم، جایگاه مبارک

- ۳ قَالَ رَبِّ اِنِّيْ وَهَنْ الْعَظْمِ مِنِّيْ وَاشْتَعَلَ الرَّاسُ شَيْبًا وَلَمْ اَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا: بزرگی، شعله‌ور شده است، نبوده‌ام
- ۴ يَا اَيُّهَا النَّاسُ اِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَاِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ...: اگر هستید، شک، رستاخیز

### ۳۲- كَمَّلَ الْفَرَاعَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- (الف) اَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ / اِنَّمَا النَّاسُ لِاُمِّ وَ لِاَبٍ: ای که... افتخارکننده به دودمان هستی، مردم تنها از یک مادر و یک پدراند.
- (ب) هَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ فِصَّةٍ / اَمْ حَدِيْدٍ اَمْ نُحَاسٍ اَمْ ذَهَبٍ: آیا آنان را... که از نقره، آهن، مس یا طلا آفریده شده‌اند.
- (ج) اِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ / وَ حَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ اَدَبٍ: افتخار تنها به... شرم، پاکدامنی و ادب است.
- ۱ بی‌خرد، ندیدی، استواری عقل
  - ۲ نابخردانه، ندیدی، استواری عقل
  - ۳ نادان، می‌بینند، عقلی استوار
  - ۴ نابخردانه، می‌بینی، عقلی استوار

### ۳۳- اِنْتَخَبَ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيْحَةَ «لِالشَّعْبِ مِنَ شُعُوبِ الْاَرْضِ الْاَوَّلَى وَ كَانَ لَهُ دِيْنٌ وَ طَرِيْقَةٌ لِلْعِبَادَةِ»

- ۱ هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست مگر اینکه دینی و راهی برای عبادت داشته باشد.
- ۲ نیست ملتی از ملت‌های دنیا مگر آنکه برای آن یک دین و عبادتی باشد.
- ۳ قطعاً هر ملتی از ملت‌های زمین برایشان دین و راه عبادت وجود دارد.
- ۴ هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست جز اینکه برایش دین و عبادتی باشد.

### ۳۴- اِنْتَخَبَ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيْحَةَ «الْاَثَارَ الْقَدِيْمِيَّةَ الَّتِي اِكْتَشَفَهَا الْاِنْسَانُ تُؤَكِّدُ اِهْتِمَامَ الْاِنْسَانِ بِالْدِيْنِ وَ تَدُلُّ عَلٰى اَنَّهُ فَطْرِيٌّ فِي وُجُوْدِهِ.»

- ۱ آثار قدیمی که توسط انسان کشف شده است تاکید بر توجه به دین و دلالت بر فطری بودن آن دارد.
- ۲ آثار قدیمی که انسان آنها را کشف کرده، توجه انسان به دین را تاکید می‌کند و دلالت بر آن دارد که دین در وجودش فطری است.
- ۳ آثار قدیمی که انسان کشف کرده، توجه انسان به دین را نشان می‌دهد و دلالت بر آن دارد که دین در وجودش فطری است.
- ۴ انسان‌ها آثار قدیمی را کشف کردند که این موضوع اهتمام آنها به دین و فطری بودن آن را نشان می‌دهد.

## ۳۵- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱ «لا لباسَ أجملَ من العافية!»: هیچ لباسی هم چون سلامتی زیبا نیست!
- ۲ «لیتَ فريقَ إيرانِ القویَ ینجحَ فی هذه المباراة!»: ای کاش تیم قدرتمند ایران در این مسابقات موفق شود!
- ۳ «ینقطعَ رجائی عن کلِّ من بحاجةٍ إلی ربی!»: امیدم از هر کسی که به پروردگارم نیازمند است، قطع می شود!
- ۴ «أحسنوا إلی کلِّ من یطلبُ المُساعَدةَ؛ فإنَّه من میزات المؤمن!»: به هر که کمک می خواهد، نیکی کنید؛ چه آن از ویژگی های مؤمن است!

## ۳۶- إِنْتَخَبَ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُيُوتٌ مَرْصُوصَةٌ»

- ۱ در حقیقت، خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف، چنانکه گویی بنایی محکم و استوار هستند، جهاد می کنند.
- ۲ در حقیقت، خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف، چنانکه گویی بنایی محکم و استوار هستند، جهاد می کردند.
- ۳ در حقیقت، خدا دوست دار کسانی است که در راه او صف در صف، چنانکه گویی بنایی محکم و استوار هستند، جهاد می کنند.
- ۴ در حقیقت، خدا دوست دارد کسانی را که در راه او پی در پی، چنانکه گویی بنایی محکم و استوار هستند، جهاد می کنند.

## ۳۷- إِنْتَخَبَ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ «إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ»

- ۱ قطعاً خداوند نسبت به مردم فضل و بخشش داشت ولی بیشتر مردم سپاسگزار نبودند.
- ۲ خداوند نسبت به مردم فضل و بخشش دارد ولی بیشتر مردم سپاسگزار نیستند.
- ۳ قطعاً خداوند نسبت به مردم فضل و بخشش خواهد داشت ولی بیشتر مردم سپاسگزار نیستند.
- ۴ قطعاً خداوند نسبت به مردم فضل و بخشش دارد ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی کردند.

## ۳۸- إِنْتَخَبَ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ...»

- ۱ و کسانی را که به غیر خدا دعوت کردند، دشنام ندهید زیرا که به خدا دشنام دهند.
- ۲ و کسانی را که به غیر خدا فرا می خوانند، دشنام ندهید زیرا که به خدا دشنام خواهند داد.
- ۳ و کسانی را که به غیر خدا فرا می خوانند، دشنام ندهید زیرا که به خدا دشنام دهند.
- ۴ و کسانی را که به غیر خدا فرا می خوانند، دشنام ندهید زیرا که به خدا دشنام دهند.

## ۳۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَعْرِيبِ هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «هِيَ فُقْرَى مِثْلَ نَادَانِي وَ هِيَ مِيرَاثِي مِثْلَ نَادَانِي»

- ۱ لافقرَ كالجاهلِ و لا ميراثَ كالآدابِ
- ۲ ليسَ فقرٌ مثلَ الجهلِ و ليسَ ميراثٌ مثلَ الآدابِ
- ۳ لالفقرَ مثلُ الجهلِ و لا الميراثَ كالآدابِ
- ۴ لا فقرٌ كالجهلِ و لا ميراثٌ كالآدابِ

## ۴۰- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَعْرِيبِ هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «كُلُّ نَاسٍ يَدْعُوهُمُ إِلَى هَدْيٍ أَوْ إِلَى ضَلَالٍ»

- ۱ لیتَ إرضاءَ جميعِ الناسِ هدفاً لا تُدرک.
- ۲ کانَ إرضاءَ جميعِ الناسِ غایةً لا تُدرک.
- ۳ إنَّ إرضاءَ کلِّ الناسِ غایةً لا تُدرک.
- ۴ لعلَّ إرضاءَ کلِّ الناسِ هدفاً لا تُدرک.

## ۴۱- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ لیتَ صَدِيقِي ینجِحُ فی المِسابِقةَ: کاش دوستم در مسابقه پیروز باشد.
- ۲ لیتَنی أَشَاهِدُ جَمِيعِ مَدَنِ بِلادِی: کاش همه شهرهای کشورم را می دیدم.
- ۳ لیتَ ناصراً إبتعدَ عن الکسلِ: کاش ناصر از تنبلی دوری می کرد.
- ۴ لعلَّ حمیداً یسافر: شاید حمید مسافرت کرده باشد.

## ۴۲- عَيْنِ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ لاخیرَ فی قولِ الامع الفعلِ: خیری نیست مگر اینکه کلام با عمل باشد.
- ۲ لا جهادَ کجهادِ النفسِ: هیچ جهادی مانند جهاد با نفس نیست.
- ۳ لا لباسَ أجملَ من العافية: هیچ لباسی زیباتر از عافیت نیست.
- ۴ لا فقرَ كالجهلِ و لا ميراثَ كالآدابِ: هیچ فقری مانند نادانی و هیچ میراثی مانند ادب نیست.



٤٣- «دواؤك فيك و ما تُبصرُ / و دواؤك منك و لا تشعُرُ» عَيْنِ الْأَقْرَبِ مِنَ الْمَفْهُومِ:

- ١ الجَهْلُ داءٌ بلا دواءِ و الحُمْقُ حُفْرَةٌ بلا عُمقٍ!  
٢ وَ نَشْتَكِي دَهْرَنَا و الذَّنْبُ لَيْسَ لَهُ!  
٣ إِنَّ دَاءَكُمْ الذَّنُوبُ و دَوَاءُكُمْ الاستِغْفَارُ!  
٤ البَعِيدُ عَنِ الْعَيْنِ بَعِيدٌ عَنِ الْقَلْبِ!

٤٤- عَيْنِ الْأَقْرَبِ مِنَ الْمَفْهُومِ: «چون شیر به خود سپه شکن باش / فرزند خوصاشتن باش»

- ١ «يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ»  
٢ دَوَاؤُكَ فِيكَ و مَا تُبْصِرُ / و دَاؤُكَ مِنْكَ و لَا تَشْعُرُ!  
٣ أَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ / إِنَّمَا النَّاسُ لِأَمِّ و لِأَبِ!  
٤ قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ!

٤٥- «لَا فَرَقَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ!»: عَيْنِ الْأَنْسَبِ لِلْمَفْهُومِ:

- ١ النَّاسُ مَوْتِي و أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ!  
٢ إِنَّ الْجَهْلَ أَعْظَمُ دَاءٍ لِلنَّاسِ!  
٣ كُلُّ الشُّرُورِ مَصْدَرُهَا الْجَهْلُ!  
٤ الْأَعْجَابُ بِالنَّفْسِ مِنْ عِلَامَاتِ الْجَهْلِ!

٤٦- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي مَفْهُومِ هَذِهِ الْآيَاتِ:

- إِيَّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ  
هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ  
بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ  
إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ  
كَيْفِيَّةِ خَلْقَةِ الْإِنْسَانِ  
أَهْمِيَّةِ الْعَقْلِ و الْعِفَافِ و الْإِدْبِ  
إِنَّمَا النَّاسُ لِأَمِّ و لِأَبِ  
أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ  
هَلْ سَوَى لَحْمٍ و عَظْمٍ و عَصَبٍ  
و حَيَاءٍ و عِفَافٍ و أَدَبٍ  
٢ الفرق بين الجاهل و العاقل  
٤ انما الشرف بالعقل لا بالمال

إِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:

«عِبَادَةُ الْأَصْنَامِ قَدْ كَانَتْ فِي أَكْثَرِ الْمُجْتَمَعَاتِ الْبَشَرِيَّةِ. الصَّنَمُ تِمْنَالٌ مِنَ الْحَجَرِ أَوْ الْخَشَبِ أَوْ الْمَعْدِنِ أَوْ الْأَجْنَاسِ الْأُخْرَى يَعْبُدُهُ الْإِنْسَانُ. هَذِهِ الْأَصْنَامُ تُمَكِّنُ أَنْ تَكُونَ بِصُورَةِ الْإِنْسَانِ أَوْ الْحَيَوَانِ أَوْ مِنَ الْوَهْمِ و لَكِنْ فِي بَعْضِ الْبِلَادِ النَّاسُ يَعْبُدُونَ أَشْجَاراً أَوْ حَيَوَانَاتٍ خَاصَّةً فِي الطَّبِيعَةِ نُسَمِيهِ «أَنِيمِيسْم». عَوَامِلٌ مُخْتَلِفَةٌ تُحَسِّبُ لِإِقَامَةِ وُجُوهِ النَّاسِ لِلشَّرِكِ و مِنْ جُمَلَتِهَا كَانَ إِهْتِمَامُ الْإِنْسَانِ بِمُحَاكَاةِ الْخَالِقِ بِصُورَةِ الْأَشْيَاءِ الَّتِي كَانَ يَرَاهَا مِثْلَ الْإِنْسَانِ و الْحَيَوَانَاتِ و النَّبَاتَاتِ. هَكَذَا نَقْدِرُ أَنْ نَقُولَ أَنَّ تَنَوُّعَ الْمَوْجُودَاتِ فِي الْعَالَمِ كَانَ يُسَبِّبُ الْإِنْسَانَ أَنْ يَعْتَبِرَ الْأَرْبَابَ الْمُخْتَلِفَةَ لَهَا.»

٤٧- عَيْنِ الصَّحِيحِ حَسَبِ النَّصِّ:

- ١ الْأَصْنَامُ يُمَكِّنُ أَنْ تَكُونَ طَبِيعِيَّةً أَوْ مَصْنُوعَةً  
٢ النَّبَاتَاتُ مَا كَانَتْ مِنَ الرُّبُوبِ أَبَدًا  
٣ قَلِيلَةٌ مِنَ النَّاسِ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْأَصْنَامَ فِي الْمَاضِي  
٤ النَّصُّ يَبْحَثُ عَنِ الْمُشْرِكِينَ فِي بَلَدٍ خَاصٍّ

٤٨- عَيْنِ الْخَطَأِ حَسَبِ النَّصِّ:

- ١ لِلْأَصْنَامِ الْأَنْوَاعُ و الْأَجْنَاسُ الْمُخْتَلِفَةُ  
٢ أَحْيَانًا الْإِنْسَانُ يَسْتَعِينُ مِنْ قُوَّةِ وَهْمِهِ لِصِنَاعَةِ الْأَصْنَامِ  
٣ أَنِيمِيسْمٌ هُوَ عِبَادَةُ الْأَصْنَامِ الَّتِي يَصْنَعُهَا الْإِنْسَانُ  
٤ الْأَشْيَاءُ الْمَرِيئَةُ كَانَتْ أَحَدَ مَصَادِرِ الْإِلْهَامِ لِصِنَاعَةِ الْأَصْنَامِ

٤٩- الضَّمِيرُ «ه» فِي جُمْلَةٍ «الصَّنَمُ تِمْنَالٌ مِنَ الْحَجَرِ أَوْ الْخَشَبِ أَوْ الْمَعْدِنِ أَوْ الْأَجْنَاسِ الْأُخْرَى يَعْبُدُهُ الْإِنْسَانُ» يَرْجِعُ إِلَى:

- ١ الصَّنَمُ  
٢ تِمْنَالٌ  
٣ الْحَجَرِ  
٤ الْأُخْرَى

## اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدِقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:

الصَّنَمُ تَمَثَالٌ مِنَ الْحَجَرِ أَوْ الْخَشَبِ أَوْ الْمَعْدَنِ أَوْ غَيْرِهِ الَّذِي يُبْنَى بِشَكْلِ الْإِنْسَانِ أَوْ الْحَيْوَانِ أَوْ صُورٍ خَيَالِيَّةٍ وَحَقِيقِيَّةٍ لِعِبَادَةٍ. كَانَ عِبَادَةُ الصَّنَمِ رَائِجًا فِي كُلِّ الْأُمَمِ تَقْرِيبًا. وَلَكِنَّ بَعْضَ الْأُمَمِ كَالْإِيرَانِيِّينَ مَاكَانَ يَعْبُدُ الْأَصْنَامَ أَبَدًا. فِي سُنَّةِ الْيُونَانِيِّينَ كَانَ يَعْبُدُ بَعْضُهُمْ آلِهًا جَسْمِيًّا وَبَعْضُ الْآخِرِ يَعْبُدُ آلِهًا رُوحِيًّا. الْأَصْنَامُ الْمَشْهُورَةُ عِنْدَهُمْ كَانَتْ زَنْوُسَ وَهَرَاءَ وَآتِنَا وَهَرَكُولَ. وَكَانَ عِنْدَ الرُّومِيِّينَ الْجُوبَيْتِرُ وَالْوِنُوسُ وَالِدِيَانَا وَعِنْدَ الْأَعْرَابِ كَانَتْ اللَّاتُ وَالْمَنَاةُ وَالْعُرَى.

## ٥٠- عَيِّنِ الْعُنْوَانَ الْمُنَاسِبَةَ لِلنَّصِّ:

- ١ الأَصْنَامُ الْمَشْهُورَةُ عِنْدَ الْأُمَمِ الْمُخْتَلِفَةِ  
٢ عِبَادَةُ الْأَصْنَامِ عِنْدَ الْأُمَمِ الْمُخْتَلِفَةِ  
٣ ذَمُّ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ  
٤ سُنَّةُ الْيُونَانِيِّينَ فِي عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ

## ٥١- عَيِّنِ الْخَطَأَ حَسَبَ النَّصِّ:

- ١ كَانَ يَعْبُدُ الْإِيرَانِيُّونَ الْأَصْنَامَ قَبْلَ وُرُودِ الْإِسْلَامِ فِي إِيرَانَ.  
٢ كَانَ يَعْبُدُ الْيُونَانِيُّونَ آلِهًا جَسْمِيًّا وَرُوحِيًّا أَيْضًا.  
٣ كَانَ هَرَكُولُ وَزَنْوُسُ مِنَ الْأَصْنَامِ الْمَعْرُوفِ فِي يُونَانَ.  
٤ كَانَ يَعْبُدُ الْأَعْرَابُ الْأَصْنَامَ قَبْلَ ظُهُورِ نَبِيِّ الْإِسْلَامِ.

## ٥٢- كَمْ حُرْفًا مِنْ حُرُوفٍ مَشْبَهَةٍ بِالْفِعْلِ وَجِدَ فِي النَّصِّ:

- ١ اثنان  
٢ ثلاثة  
٣ واحد  
٤ صفر

## ٥٣- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي نَوْعِيَّةٍ أَوْ مَحَلِّ إِعْرَابِيٍّ الْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ:

يُونَانِيِّينَ، كَانَ، رُومِيِّينَ

- ١ مضاف إليه، فعل ناقصه، مضاف إليه  
٢ صفت، فعل ناقصه، مجرور به حرف جر  
٣ مضاف إليه، حروف مشبهة بالفعل، مضاف إليه  
٤ صفت، خبر، مجرور به حرف جر

## قواعد

## ٥٤- عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

(فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ وَلَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ وَحِيدًا، فَحَمَلَ فَأَسَا وَكَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ)

- ١ أحد: المجرور بحرف الجر / الأعياد: المضاف إليه  
٢ قومه: فاعل / وحيدا: مفعول  
٣ فأسا: فاعل / الأصنام: المضاف إليه  
٤ الأصنام: المضاف إليه / الأعياد: صفة

## ٥٥- عَيِّنِ الْخَطَأَ:

(بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ، إِنَّمَا يَقْضُدُ إِبْرَاهِيمَ الْاسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا وَهَنَا (قَالُوا حَرَّقُوهُ وَانصَرُوا إِلَيْهِكُمْ) فَقَذَفُوهُ فِي النَّارِ فَانقَذَهُ اللهُ مِنْهَا)

- ١ إبراهيم: فاعل و مرفوع / الاستهزاء: مفعول و منصوب  
٢ بأصنام: الجار والمجرور / آلهة: مفعول و منصوب  
٣ الله: مفعول و منصوب / آلهة: فاعل و مرفوع  
٤ إبراهيم: فاعل و مرفوع / بأصنام: الجار و المجرور

## ٥٦- عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي مَحَلِّ إِعْرَابِيٍّ وَ نَوْعِيَّةِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

- ١ وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ: اسم، جمع مكسر، مذكر / فاعل  
٢ وَاللَّهُ يَقْدَرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ: فعل، مضارع، مفرد مذكر غائب، معلوم، مزيد ثلاثي از باب تفعل / خبر  
٣ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ: فعل، ماضى، مذكر، غائب، مجهول، مجرد ثلاثي / فعل و نائب فاعله ضمير هو  
٤ رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ: اسم، مفرد، مذكر، مصدر باب مفاعلة / مفعول به